

الگوی اسلامی سلسله مراتب در خانواده با رویکرد روانشناختی

جواد ترکاشوند^۱

محمد علی مظاهری تهرانی^۲

عباس پسندیده^۳

چکیده

هدف پژوهش حاضر استنباط الگوی سلسله مراتب در خانواده از قرآن و روایات است. الگوی صحیح سلسله مراتب در خانواده یکی از عوامل تحکیم و آسیب آن، یکی از منابع آسیب در خانواده به حساب می‌آید. الگوی دموکراتیک - که آخرین دستاورد روانشناسی و فمینیسم است - زن و مرد را به صورت یکسان در جایگاه اول خانواده قرار می‌دهد. پرسش اصلی پژوهش این است که در برابر الگوی موجود، الگوی اسلامی سلسله مراتب در خانواده چیست؟ به این منظور، به روش تحلیل محتوا، آیات و روایات مربوط به جایگاه افراد در خانواده، گردآوری، طبقه‌بندی و مفاهیم و نظرات مشترک استخراج شده و الگوی نهایی به دست آمده است. این الگوی به دست آمده از منابع اسلامی نشان می‌دهد که زیرمجموعه والدین در خانواده جایگاه بالاتری داشته و زیرمجموعه فرزندان باید مطیع باشند و در زیرمجموعه والدین نیز مرد در جایگاه بالاتری قرار دارد و زن در جایگاه دوم قرار داشته و باید از او اطاعت نماید. در زیرمجموعه فرزندان نیز فرزند پسر بزرگتر جایگاه بالاتری دارد. الگوی اسلامی سلسله مراتب در خانواده، بر اصل تفاوت‌های جنسیتی استوار است و این را نه تنها ظلم نمی‌داند، بلکه برخاسته از سرشت انسان و یکی از عوامل سلامت فرد و خانواده می‌داند.

کلید واژه‌ها: خانواده، الگو، سلسله مراتب، اسلام، روانشناسی، فمینیسم.

۱. دانش آموخته سطوح عالی حوزه علمیه و کارشناس ارشد روانشناسی خانواده،

۲. استاد دانشگاه شهید بهشتی.

۳. استادیار دانشگاه قرآن و حدیث.

بیان مسأله

خانواده مجموعه‌ای است که بر اساس ازدواج بین یک مرد و دست کم یک زن شکل می‌گیرد و در آن مناسبات خونی یا اسنادیافته وجود دارد که معمولاً دارای اشتراک مکانی بوده و کارکردهای گوناگون شخصی، جسمانی، اقتصادی، تربیتی و... دارد.^۴ خانواده یک جامعه کوچک است و همان طور که امیرالمومنین علیه السلام می‌فرماید، جامعه نیاز به حکومت و مدیریت دارد و بدون آن، زندگی اجتماعی به هرج و مرج و آشفتگی کشیده می‌شود،^۵ خانواده نیز، بی‌نیاز از حاکمیت و ولایت نیست.^۶

نیاز به داشتن یک مدیر و سرپرست در خانواده و وجود سلسله مراتب در میان اعضای آن، بیش از هر اجتماع دیگری احساس می‌گردد؛ چرا که نبود سلسله مراتب در خانواده، مستلزم عوارض و آسیب‌های متعدد در کل نظام خانواده و زیرمجموعه‌های آن است. سلسله مراتب در خانواده نقش مهمی در تعاملات میان اعضای خانواده دارد. کم و کیف سلسله مراتب در خانواده، در افزایش مشارکت اجتماعی،^۷ مشارکت اجتماعی ذهنی،^۸ عزت نفس اعضاء،^۹ سلامت روانی،^{۱۰} شکل‌گیری شخصیت فرزندان، جامعه‌پذیری، انسجام خانواده و حتی خوشبختی زناشویی اثر می‌گذارد.^{۱۱} همچنین زمانی که سلسله مراتب، به طور روشن و واضح بین اعضای خانواده وجود داشته باشد، اعضا فرصت مناسب جهت رشد فردی و افزایش اعتماد به نفس در خانواده خواهند داشت.^{۱۲}

خانواده مانند دیگر نظام‌های انسانی و اجتماعی دارای یک سازمان است. در هر سازمان، هر فرد برای خود جایگاه ویژه‌ای دارد که نشانه میزان تأثیر او بر دیگران است. در جوامع انسانی، سازمانی که همه افراد در آن در یک رتبه باشند، دیده نمی‌شود.^{۱۳} اگر چیزی

۴. خانواده در نگرش اسلام و روانشناسی، ص ۱۲.

۵. نهج البلاغه، ص ۹۳.

۶. خانواده در قرآن، ص ۲۷۳.

۷. ساختار قدرت در خانواده و تأثیر آن بر مشارکت اجتماعی در شهر شیراز، ص ۱۲۵.

۸. بررسی رابطه ساختار قدرت در خانواده با مشارکت اجتماعی در شهر ملکان: سنین ۲۰ تا ۴۰ سالگی، ص ۹۰.

۹. بررسی رابطه ساختار توزیع قدرت در خانواده و عزت نفس زنان، مطالعه موردی: زنان متأهل ۲۰ تا ۵۵ ساله شهر شیراز، ص ۹۹.

۱۰. رواندرومانی خانواده، ص ۱۱۰.

۱۱. بررسی توزیع قدرت در خانواده، ص ۱۰۸.

۱۲. رابطه ساختار قدرت و همبستگی در خانواده با خودپنداره دانشجویان، ص ۶۸.

۱۳. خانواده در نگرش اسلام و روانشناسی، ص ۹۱.

را بتوان به انسان و سایر حیوانات تعمیم داد، این است که تمام «مخلوقات مستعد یادگیری» مجبور به سازماندهی اند.^{۱۴}

در دهه های اخیر، خانواده کانون توجه روانشناسان خانواده و مطالعات زنان و نظریه پردازی فمینیستی بوده است.^{۱۵} روانشناسان ساخت نگر در حوزه روانشناسی خانواده با ارائه نمونه های تساوی زن و مرد^{۱۶} به تبیین سلسله مراتب در خانواده پرداخته و خانواده سالم و کارآمد را خانواده برابری یافته دانسته و نظریه های درمانگری خود را بر چنین سیستمی بنا نهاده اند.

فمینیست ها خانواده را یکی از جایگاه های عمده سرکوب زنان می دانند که در آن، اقتدار نهادینه شده مردان بر زنان و کودکان شکل می گیرد.^{۱۷} البته در نگاه فمینیسم، خانواده فقط مانعی در راه برابری زنان نیست، بلکه به طور کامل با آن در تضاد است.^{۱۸} بنا بر این، تغییر نظام خانواده و کلیشه های مربوط به آن همواره از مطالبات فمینیست ها بوده است؛ چون از نظر آنان خانواده اصیل ترین نهادی است که زنان در آن تحت سلطه نظام پدرسالاری واقع می شوند.^{۱۹} به همین دلیل، فمینیست ها توجه خاصی به دگرگونی ساختار مناسبات خانوادگی نشان می دهند. آنان معتقدند که باید در تعاریف موجود درباره خانواده - که مبتنی بر پیش فرض های پذیرفته شده درباره نقش مسلط مردان است - بازنگری و تعاریف جدیدی ارائه شود. فمینیست ها درصدد پیشنهاد بدیل هایی برای خانواده مردسالارند.^{۲۰}

بر اساس این که چه کسی تصمیمات اساسی و مهم را در خانواده می گیرد، سه الگو می تواند وجود داشته باشد: الگوی حاکمیت مرد، الگوی حاکمیت زن، الگوی مشارکتی بودن اخذ تصمیمات.^{۲۱} نفی مطلق سلسله مراتب، به عنوان نظریه مخالف حاکمیت و اقتدار یک فرد در خانواده، مطمح نظر فمینیسم بوده است. آنها با تولید نظریه تساوی زن و

۱۴. رواندرومانی خانواده، ص ۱۷۳.

۱۵. از جنبش تا نظریه اجتماعی: تاریخ دو قرن فمینیسم، ص ۱۳۱.

۱۶. خانواده و خانواده درمانی، ص ۱۵۶؛ رواندرومانی خانواده، ص ۱۷۵.

۱۷. زنان و تحولات خانواده در عصر جهانی شدن، ص ۱۵۷.

۱۸. فمینیسم و خانواده، سیاست و جامعه در ایالات متحده و بریتانیا، ص ۲۷۶.

۱۹. اخلاق مادری در اسلام و فمینیسم، ص ۲۱۸.

۲۰. زنان و تحولات خانواده در عصر جهانی شدن، ص ۱۵۸.

۲۱. بررسی رابطه میان ساختار قدرت در خانواده با رضامندی زناشویی زنان کارمند و خانه دار شهر تهران، ص ۳۳.

مرد، فراهم آوردن نوع خاصی از خانواده را نوید دادند که از آن با نام «خانواده دموکراتیک» یاد می‌شود.^{۲۲} خانواده دموکراتیک، آنتی‌تزدردسالاری و زن‌سالاری است. از سوی دیگر، با توجه به نگرش بسیار منفی فمینیست‌ها به پدرسالاری، روشن است که مفهوم «قوامیت» در فرهنگ اسلامی نیز به صورت یکی از کانون‌های اصلی هجوم‌ها و انتقادهای فمینیستی درآید؛ چرا که آن را نماد بارز پدرسالاری قلمداد کرده‌اند.^{۲۳}

به همین دلیل، در عصر حاضر، نظام خانواده دچار مشکلات و چالش‌های اساسی گردیده است.^{۲۴} نظریات جدید خانواده، به تغییر نظام سلسله مراتب در خانواده، به سوی خانواده دموکراتیک منجر شده است.^{۲۵} این در حالی است که الگوی کاملی از سلسله مراتب در خانواده، از سوی نظریه پردازان مسلمان ارائه نگردیده است. الگوی مدلی یعنی شکل آرمانی و استاندارد^{۲۶} که از بازنمایی یک ساختار مرکب، خواه عینی و خواه انتزاعی، به دست می‌آید و برای فهم چگونگی پیوند و اتصال اجزاء، مورد استفاده قرار می‌گیرد.^{۲۷}

نبود الگوی اسلامی سلسله مراتب در خانواده، و تبیین آن، سبب ترویج و گسترش بیش از پیش الگوی دموکراتیک گردیده است و این مطلب بیان‌گر ضرورت طراحی الگوی کامل اسلامی سلسله مراتب در خانواده و تبیین علمی و عقلی آن است.

اکنون سؤال این است که در برابر نظریات جدید، نظریه اسلام درباره نظام سلسله مراتب در خانواده چیست؟ به بیان دیگر، الگوی اسلامی سلسله مراتب در خانواده چیست؟ چگونه تبیین می‌گردد؟

پیشینه پژوهش

مفسران قرآن کریم، از صدر اسلام تا زمان حاضر، با توجه به آیه ۳۴ سوره نساء، سرپرستی یا مراقبت خانواده را از آن مرد دانسته‌اند.^{۲۸} مروی سرپرستی محدود مردان در

۲۲. زن، قدرت و خانواده: پژوهشی در جایگاه زن در هرم قدرت در خانواده، ص ۳۲.

۲۳. اسلام و تفاوت‌های جنسیتی، ص ۴۷.

۲۴. مدیریت خانواده در نظریه‌های جامعه‌شناسی در مقایسه با نظریه علامه طباطبایی، ص ۱۰۰.

۲۵. بررسی توزیع قدرت در خانواده، ص ۱۵.

۲۶. فرهنگ جامع روانشناسی، ذیل واژه Model.

۲۷. فرهنگ جامع روانشناسی - روانپزشکی و زمینه‌های وابسته، ذیل واژه الگو.

۲۸. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۳۴۴؛ تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۷۰؛ مفاتیح الغیب، ج ۱۰، ص ۷۰؛ مجمع البیان فی

تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۶۹.

حوزه وظایف واجب زنان را از آیه ۳۴ سوره نساء به دست آورده است.^{۲۹} رحمانی، پس از بررسی آیه ۳۴ سوره نساء و با توجه به شواهدی که در آیه موجود است، به این نتیجه می‌رسد که مردان، تدبیرگر و سرپرست امور زنان هستند.^{۳۰} بهشتی می‌نویسد تا آنجا که اطاعت شوهر مستلزم نافرمانی خداوند نیست، زن باید مطیع شوهر باشد و از دستوراتش تخلف نکند.^{۳۱} به نظر سالاری فر، تعالیم اسلام بر لزوم سلسله مراتب و اقتدار بیشتر شوهر در خانواده تأکید دارد.^{۳۲} ایازی و ناصحی به این نظر دست یافته‌اند که خانواده اسلامی، دارای نظام «شوهر محور» با گرایش «دوسویه» است.^{۳۳} بستان، قومیت در اسلام را با مردسالاری متفاوت دانسته و به نوعی سرپرستی محدود مردان اشاره دارد.^{۳۴}

بررسی ودقت در پیشینه موجود نشان می‌دهد که سلسله مراتب در خانواده از نگاه منابع اسلامی و پژوهشگران مسلمان، به صورتی دقیق و گسترده، مانند آنچه در روانشناسی خانواده و نظریات فمینیستی مطرح است، بررسی نشده و برای آن الگویی کامل طراحی نشده است. در ادامه به برخی از نقاط ضعف موجود در تحقیقات ذکر شده می‌پردازیم:

۱. پژوهش‌های اندکی در زمینه ساختار خانواده، به خصوص سلسله مراتب در خانواده از نگاه منابع اسلامی وجود دارد.

۲. بحث سلسله مراتب در خانواده به صورت یک موضوع مستقل مورد بررسی ودقت قرار نگرفته و همیشه به صورت تابعی از مباحث دیگر مطرح گردیده است.
۳. نظریات و بررسی‌ها به صورت محدود بوده و فقط به مسأله قومیت مرد و جایگاه او در خانواده پرداخته است و دیگر اعضای خانواده مورد بررسی و پژوهش قرار نگرفته است.
۴. فقط به برخی از منابع موجود در دین مقدس اسلام مانند آیه ۳۴ سوره نساء، پرداخته شده و معمولاً از دیگر آیات و روایات صرف نظر شده است.
۵. در مقابل الگوهای موجود، الگوی اسلامی از سلسله مراتب برای اعضای خانواده ارائه نگردیده است.

۲۹. سرپرستی خانواده با نگاه به آیه ۳۴ سوره نساء، ص ۹۹-۱۱۲.

۳۰. بررسی فقهی مدیریت در روابط زن و شوهر، ص ۲۲۱.

۳۱. خانواده در قرآن، ص ۲۷۴.

۳۲. خانواده در نگرش اسلام و روانشناسی، ص ۹۵.

۳۳. بررسی ساختار توزیع قدرت در رابطه زن شوهر در خانواده از نگاه آیات و روایات، ص ۱۳۱.

۳۴. اسلام و تفاوت‌های جنسیتی، ص ۶۸.

بنا بر این، با توجه به نکات ذکر شده، پژوهش حاضر درصدد بررسی منابع دین اسلام است و در نظر دارد که در پایان این پژوهش، یک الگوی کامل از سلسله مراتب در خانواده، البته با ادبیات روانشناسی معاصر ارائه دهد که در آن، جایگاه تمام اعضای خانواده مشخص باشد و به تبیین علمی و عقلی آن پردازد.

مقدمه

بحث سلسله مراتب در خانواده، در آیات و روایات، تحت عناوینی مانند قوامیت، سرپرستی، اطاعت، مسؤولیت، و غیره وارد شده است که هر کدام به صورت مستقیم و یا ضمنی نشان دهنده جایگاه اعضای خانواده است. می توان گفت که از میان آیات قرآن، آیه ۳۴ سوره نساء صریح ترین آیه در باره موضوع این پژوهش است؛ البته آیات دیگری مانند آیه ششم از سوره تحریم و برخی آیات دیگر نیز به صورت ضمنی به بحث جایگاه اعضا در خانواده اشاره دارد که می توان از آنها به صورت مؤید استفاده کرد. همچنین، روایات متعددی در باب خانواده و مسائل آن از پیامبر و ائمه معصوم علیهم السلام وارد شده است که بخشی از این روایات، به صورت های مختلف، به جایگاه اعضای خانواده تصریح یا اشاره دارد.

الف. آیات

آیه سی و چهارم سوره نساء

یکی از آیات قرآن شریف - که به جایگاه اعضای خانواده اشاره کرده است - آیه ۳۴ سوره نساء است:

«الزَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَ اللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَ اهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَ اضْرِبُوهُنَّ فَإِنِ اطَّعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيَّهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا».

در این آیه، جایگاه اول خانواده به مرد داده شده است و شواهد متعددی در آیه وجود دارد که چنین برداشتی از آیه را تأیید می کند.

مفسران برای واژه «قوامون» معانی متعددی ذکر کرده اند، که می توان آنها را در دو دسته

قرار داد: اول، معانی که دال بر سرپرستی و حکومت و سلطه است؛ مانند «سرپرست»^{۳۵}، «قیمون»^{۳۶}، «مسلطون»^{۳۷}، «قیام الولاة علی الرعیة»^{۳۸}، «رئیسها»^{۳۹} و کبیرها و الحاکم علیها و مؤدبها»^{۴۰}، «قوامون علیهن یالزامهن»^{۴۱}، «استیلاء»^{۴۲} و معانی شبیه این‌ها. دوم، معانی که دال بر حراست، حفاظت و نگاهداری است؛ مانند «حافظون»^{۴۴}، «یقوم بأمرها ویهتم بحفظها»^{۴۵}، «یقومون بشئونهن»^{۴۶}، «تدبیر و تنظیم زندگی»^{۴۷} و معانی شبیه این موارد.

اما با توجه به تعلیل‌هایی که برای قوامیت مرد در ادامه آیه آمده است، می‌توان گفت فقط معنای اول صحیح است؛ چرا که برتری‌های خدادادی مردان نسبت به زنان و انفاق مردان بر زنان با حراست و حافظ بودن مردان نمی‌سازد و این جمله بی‌معناست که چون مردان برتری‌های خدادادی دارند و بر زنان انفاق می‌کنند، پس باید به زنان رسیدگی کرده و از آنان حفاظت و مراقبت کنند، بلکه باید گفت با توجه به این که مردان برتری‌های خدادادی نسبت به زنان دارند و به زنان انفاق می‌کنند، سرپرست و مدیر زنان خواهند بود. بنا بر این، معنای دقیق و متناسب قوامون در آیه، سرپرست و مدیر است؛ نه مراقبت‌کننده، نگه‌دارنده یا رسیدگی‌کننده.

در ادامه آیه، زنان در قبال جایگاه بالاتر مردان در خانواده، به دو گروه تقسیم می‌شوند: گروه اول، زنان صالح که مطیع شوهر^{۴۸} و یا مطیع خدا در پذیرش قوامیت شوهر و اطاعت از

۳۵. تفسیر علین، ص ۸۴؛ حجة التفاسیر و بلاغ الإکسیر، ج ۲، ص ۴۱.

۳۶. الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز، ج ۱، ص ۳۱۲؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۶۹؛ تفسیر القرآن الکریم، ص ۱۱۴.

۳۷. آیات الأحکام، ج ۲، ص ۳۴۱؛ تفسیر الجلالین، ص ۸۷؛ تفسیر روح البیان، ج ۲، ص ۲۰۲؛ الكشف و البیان عن تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۳۰۲؛ تفسیر اثنا عشری، ج ۲، ص ۴۲۰.

۳۸. روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۳، ص ۲۴؛ الأصفی فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۲۰۸؛ زیادة البیان فی أحكام القرآن، ص ۵۳۷؛ زیادة التفاسیر، ج ۲، ص ۵۹.

۳۹. الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، ج ۳، ص ۲۱۷.

۴۰. آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۱۰۵.

۴۱. تیسیر الکریم الرحمن، ص ۱۸۶.

۴۲. جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۲۲۹.

۴۳. من هدی القرآن، ج ۲، ص ۷۵؛ المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۳۴۴.

۴۴. الفواتح الالهیة و المفاتح الغیبیة، ج ۱، ص ۱۵۲.

۴۵. مفاتیح الغیب، ج ۱۰، ص ۷۰.

۴۶. الموسوعة القرآنیة، ج ۹، ص ۳۰۴.

۴۷. انوار درخشان، ج ۴، ص ۵۲.

۴۸. آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۱۰۶؛ آیات الأحکام، ج ۲، ص ۳۴۱؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۱۰۶.

شوهر هستند^{۴۹} و گروه دوم، زنانی که نسبت به شوهر نافرمانی می‌کنند. تقسیم زنان به مطیع و سرکش، با معنای اول قوامیت، یعنی مدیریت و سرپرستی، سازگاری دارد، نه با معنای دوم؛ چرا که معنا ندارد بگوییم مردان مراقبت کننده از زنان هستند و برخی از زنان از آنها اطاعت می‌کنند و برخی دیگر سرکشی می‌کنند. در مقابل، می‌توان با در نظر گرفتن معنای اول، چنین گفت که مردان سرپرست و مدیر زنان هستند و گروهی از زنان در قبال این مدیریت، فرمانبردار بوده و گروهی دیگر نافرمانی و سرکشی می‌کنند.

از سوی دیگر، محدود کردن اطلاق قنوت و نشوز به مسائل جنسی هیچ وجهی نداشته و با صدر آیه سازگار نیست و مقتضای این مدیریت - که با دو تعلیل فضیلت‌های خدادادی و انفاق اثبات شده - این است که زن در تمام شؤون این مدیریت، مطیع شوهر باشد و نه فقط در خصوص مسائل جنسی.

نکته دیگر، شیوه برخورد مرد با همسر نافرمان خود است؛ یعنی سه مرحله موعظه، دوری کردن و تنبیه. این شیوه نشان از جایگاه بالاتر مرد نسبت به همسرش دارد؛ در حالی که طبق آیه ۱۲۸ این سوره، اگر شوهر نسبت به وظایف خود در قبال زن کوتاهی کند، زن اجازه ندارد که با شوهرش برخورد داشته و او را تنبیه نماید، بلکه حاکم شرع - که جایگاه بالاتری از مرد دارد - چنین خواهد کرد.

و نکته آخر، کلام امام صادق علیه السلام در اثبات جایگاه برتر مرد نسبت به همسرش، با کمک این آیه است. ابراهیم بن محرز می‌گوید از امام صادق علیه السلام در باره مردی سؤال کردم که به زن خود می‌گوید: «أَمْزُكِ بِيَدِكِ»؛ اختیار تو با خودت است و حضرت در پاسخ او فرمودند:

أَنِي يَكُونُ هَذَا وَاللَّهُ يَقُولُ الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ لَيْسَ هَذَا بَشْيءٍ؛^{۵۰}

چه طور چنین چیزی ممکن است؛ در حالی که خداوند متعال می‌فرماید مردان سرپرست زنان هستند. پس گفته آن مرد تأثیری ندارد.

آیه ششم سوره تحریم

خداوند متعال در این آیه شریفه می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ».

ص ۶۹؛ انوار درخشان، ج ۴، ص ۵۲؛ من هدی القرآن، ج ۲، ص ۷۵؛ المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۳۴۴

۴۹. تفسیر من وحی القرآن، ج ۷، ص ۲۲۷؛ تفسیر منهج الصادقین فی إلزام المخالفین، ج ۳، ص ۲۰.

۵۰. تهذیب الأحکام، ج ۸، ص ۸۹.

شواهد متعددی وجود دارد که نشان می‌دهد مخاطب آیه مردان هستند و در نتیجه، این آیه شریفه نیز نشان می‌دهد که مردان نسبت به زنان مسؤلیت داشته و بنا بر مسؤلیتی که در قبال همسر و فرزندان دارند، به صورت طبیعی از جایگاه بالاتری برخوردار هستند. شاهد اول، واژه «أَهْلِيكُمْ» است.^{۵۱} اگرچه مفسران معانی مختلفی برای این واژه در نظر گرفته‌اند، اما در نهایت، می‌توان گفت آنچه که تمام مفسران بر آن توافق داشته و با تعبیری مانند اهل، آل، عیال، اسره و یا خانواده از آن نام برده‌اند، همان قدر متیقن، یعنی همسر و فرزندان یک مرد، است. بنا بر این، مخاطب آیه، مردان هستند. شاهد بعدی، سیاق آیات است. در آیات قبل، پس از آن که خداوند، همسران پیامبر را تأدیب کرد، خطاب را متوجه عموم مؤمنان کرده و به آنان فرمان می‌دهد که زنان خود را ادب کنند و دستوراتی در باره تعلیم و تربیت همسر و فرزندان و خانواده به آنها می‌دهد. علامه طباطبایی ذکر این آیه را پس از آیات قبل، تعمیم پس از تخصیص می‌داند.^{۵۲} شاهد دیگر آن که روایاتی که ذیل این آیه مطرح گردیده است، سخن از مردانی دارد که پس از نزول این آیه، از سنگینی مسؤلیت خانواده گریه می‌کنند، یا نگران هدایت خانواده خود بوده و از کیفیت این وظیفه سؤال دارند؛ در حالی که در هیچ یک از این روایات، زنان چنین مسؤلیتی را احساس نکرده‌اند.

ب. روایات

جایگاه مرد و زن در خانواده

روایات متعددی به بحث خانواده پرداخته و تعداد قابل توجهی از آنها نیز به صورت صریح و یا ضمنی به جایگاه اعضای خانواده، به ویژه مرد و زن پرداخته‌اند. روایات، با شیوه‌ها و اصطلاحات گوناگونی، بحث سلسله مراتب را در خانواده مطرح کرده‌اند. در ادامه، بخشی از این روایات را تحت چند عنوان خواهیم آورد. روایات این بخش شماره‌گذاری شده و در پایان این بخش، در جدولی جداگانه، از حیث وثاقت صدوری و سندی مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

۵۱. تفسیر روح البیان، ج ۱۰، ص ۵۸. اصل این واژه «اهلین» است که نون آن به سبب اضافه حذف شده است و جمع «اهل» است

۵۲. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۹، ص ۳۳۵.

نهی از اطاعت از زنان و مدیریت زنان

(۱) ذکر کردن مدیریت و برتری زن بر شوهر، در کنار قبایح و محرمات آخر الزمان،^{۵۳} (۲) پشیمانی از اطاعت از زن،^{۵۴} (۳) وجود خیر در مخالفت با زنان،^{۵۵} (۴) دستور به عدم اطاعت از زن و عدم تدبیر خانواده توسط زن^{۵۶} و (۵) مورد لعن بودن مرد مطیع زن،^{۵۷} همگی دال بر نفی مدیریت و جایگاه برتر زن در خانواده است.

مسئولیت مردان در قبال همسر

(۶) اسیر دانستن زن و فرزند در دست مرد و دستور به رسیدگی به اسیران،^{۵۸} (۷) دستور به ضایع نکردن و تباه نکردن همسر،^{۵۹} (۸) دستور به اصلاح رابطه با زن؛ چرا که مرد مسلط بر زن و قیم او است،^{۶۰} (۹) گل بهاری دانستن زن و دستور به عدم واگذاری امور سنگین به او،^{۶۱} تصریح به مسئولیت مرد در قبال همسرش و جایگاه متناسب این مسئولیت دارد. همچنین اصطلاحاتی مانند «مَلَكَةٌ نَاصِيَتُهَا»، «فَلَا يُضَيِّعُهَا»، «لَا تُمَلِّكُ» و به کار بردن واژه «اسیر» برای همسر و فرزندان، نشان از جایگاه برتر مرد در خانواده دارد؛ چرا که از یک سو، اسیر از خودش اختیاری ندارد و از سوی دیگر، نمی‌توان مسئولیت بدون جایگاه را به مرد واگذار نمود. سپس انجام وظایف و تکالیف نسبت به زیردستان را از او خواست.

روایات حقوق

روایاتی که به حقوق متقابل زن و شوهر پرداخته است، برای بیان حقوق مرد بر گردن زن، (۱۰) بیشتر به مسأله اطاعت زن از مرد و اجازه گرفتن زن در انجام امور (حتی اموری غیر از مسأله خروج از خانه و مسائل جنسی) می‌پردازد و می‌گوید افرادی که بزرگ‌ترین حق را بر گردن مرد دارند، والدین او هستند و فردی که بزرگ‌ترین حق را بر گردن زن دارد، شوهر

۵۳. الکافی، ج ۸، ص ۳۸، ح ۷.

۵۴. همان، ج ۵، ص ۵۱۷، ح ۴.

۵۵. همان، ج ۵، ص ۵۱۸، ح ۹.

۵۶. من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۵۵، ح ۴۹۰۰.

۵۷. الکافی، ج ۵، ص ۵۱۸، ح ۱۰.

۵۸. همان، ج ۴، ص ۱۱، ح ۳.

۵۹. همان، ج ۵، ص ۵۱۰، ح ۲.

۶۰. من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۴۳، ح ۴۵۳۷: «رَجِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْسَنَ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ زَوْجَتِهِ، فَإِنَّ اللَّهَ - عَزَّ وَجَلَّ - قَدْ مَلَكَهُ نَاصِيَتُهَا وَجَعَلَهُ الْقِيمَ عَلَيْهَا».

۶۱. الکافی، ج ۵، ص ۵۱۰، ح ۳: «لَا تُمَلِّكُ الْمَرْأَةَ مِنَ الْأَمْرِ مَا يُجَاوِزُ نَفْسَهَا...».

اوست^{۶۲} و برای بیان حقوق زن برگردن مرد، (۱۱) غالباً به حقوقی مانند نرم خویی، گشاده دستی، مهربانی، رسیدگی به خوراک و پوشاک، گشاده رویی، اظهار محبت، و مواردی از این قبیل تصریح می‌کند.^{۶۳} تفاوت حقوق زن و شوهر در روایات، به دنبال نیازهای جسمی و روانشناختی و تفاوت‌های جنسیتی بوده و در ضمن نشان از جایگاه برتر مرد در خانواده دارد.

روایات اجازه از مرد

(۱۲) زن نمی‌تواند بدون اجازه شوهرش آزاد کند، صدقه دهد، تدبیر کند، هبه و نذر کند، مگر در مورد زکات یا نیکی به والدین یا صله خویشان نزدیک.^{۶۴} (۱۳) زن نباید بدون اجازه شوهرش از خانه خارج گردد و اگر این کار را بکند، نفقه ندارد تا زمانی که بازگردد.^{۶۵} این روایات نیز جایگاه برتر مرد در خانواده و لزوم اجازه گرفتن زن را در امور زندگی مشترک، حتی اموری غیر از خروج از خانه و غیر مرتبط با مسائل جنسی، به خوبی نشان می‌دهد.

توصیف زنان خوب و بد

(۱۴) بهترین زنان، زنی است که نفوذناپذیر از خانواده‌اش و متواضع و نفوذپذیر از شوهرش باشد، حرف شوهرش را بشنود و اوامرش را اطاعت کند،^{۶۶} (۱۵) زنی که دستورات شوهرش را اطاعت کند.^{۶۷} (۱۶) بدترین زنان زنی است متواضع و نفوذپذیر از خانواده‌اش و غیرمتواضع و نفوذناپذیر از شوهرش، زنی که سخن شوهرش را نشنود و اوامرش را اطاعت نکند.^{۶۸}

۶۲. همان، ج ۵، ص ۵۰۷، ح ۱: «طَبِيعُهُ وَلَا تَعْصِيهِ وَلَا تَتَّصِدُقُ مِنْ بَيْتِهِ بِشَيْءٍ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَلَا تَصُومُ تَطَوُّعًا إِلَّا بِإِذْنِهِ وَلَا تَمْنَعُهُ نَفْسَهَا وَإِنْ كَانَتْ عَلَى ظَهْرِ قَتَبٍ وَلَا تَخْرُجُ مِنْ بَيْتِهِ إِلَّا بِإِذْنِهِ فَإِنْ خَرَجَتْ بِغَيْرِ إِذْنِهِ لَعَنَتْهَا مَلَائِكَةُ السَّمَاءِ وَمَلَائِكَةُ الْأَرْضِ وَمَلَائِكَةُ الْعَصَبِ وَمَلَائِكَةُ الرَّحْمَةِ حَتَّى تَرْجِعَ إِلَى بَيْتِهَا فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ مَنْ أَعْظَمَ النَّاسَ حَقًّا عَلَى الرَّجُلِ قَالَ وَالِدَاهُ قَالَتْ فَمَنْ أَعْظَمَ النَّاسَ حَقًّا عَلَى الْمَرْأَةِ قَالَ زَوْجُهَا».

۶۳. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۶۲۱، ح ۳۲۱۴.

۶۴. الكافي، ج ۵، ص ۵۱۴، ح ۴: «لَيْسَ لِلْمَرْأَةِ أَمْرٌ مَعَ زَوْجِهَا فِي عَتَقٍ وَلَا صَدَقَةٍ وَلَا تَدْبِيرٍ وَلَا هَبَةٍ وَلَا نَذْرٍ فِي مَالِهَا إِلَّا بِإِذْنِ زَوْجِهَا إِلَّا فِي زَكَاةٍ أَوْ بِزِوَالِدَيْهَا أَوْ صِلَةِ قَرَابَتِيهَا».

۶۵. همان، ج ۵، ص ۵۱۴، ح ۵.

۶۶. من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۸۹، ح ۴۳۶۷.

۶۷. الكافي، ج ۵، ص ۳۲۸، ح ۱.

۶۸. من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۹۲، ح ۴۳۷۶.

پاداش یا عقاب در قبال شوهر

(۱۷) اطاعت از شوهر به عنوان یکی از عوامل ورود به بهشت،^{۶۹} (۱۸) ورود به جهنم به دلیل کافر شدن به حق شوهر،^{۷۰} (۱۹) گناه کار بودن در اثر نافرمانی از شوهر،^{۷۱} (۲۰) هیزم جهنم بودن به خاطر ظلم در حق شوهر،^{۷۲} (۲۱) آمرزیده شدن به خاطر اطاعت از شوهرش،^{۷۳} مضامین صریح روایات است که جایگاه خاص و محوریت مرد نسبت به همسرش و خانواده را نشان می‌دهد. ویژگی مشترک این مجموعه از روایات و مجموعه قبل، غلبه محوریت مرد در ارزیابی و ارزش گذاری اعمال زنان است؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت یکی از ملاک‌های قضاوت در باره خوبی و یا بدی زنان، موافقت، پذیرش و اطاعت در مقابل شوهر بوده است که نشان از جایگاه ویژه مرد در خانواده دارد.

نهی از نافرمانی و دستور به اطاعت از شوهر

(۲۲) بیعت کردن رسول خدا ﷺ با زنان بر انجام ندادن محرمات الهی و نافرمانی نکردن از همسر در امور مطابق با عقل و شرع^{۷۴} و (۲۳) جهاد دانستن پیروی از شوهر،^{۷۵} به سه نکته اساسی اشاره دارد: اولاً، مخالفت با خواست شوهر، مخالفت با دستور شارع است؛ ثانیاً، تا زمانی که خواسته‌های شوهر از محدوده شرع و عقل خارج نگردد، مطاع است؛ ثالثاً، اطاعت از شوهر همانند جهاد، در حفظ کانون خانواده ضروری و حیاتی است.

جایگاه زن و مرد نسبت به یکدیگر

(۲۴) بیان رسول خدا ﷺ که فرموده است: «اگر [ممکن بود] دستور دهم که کسی برای دیگری [غیر خدا] سجده کند، هر آینه امر می‌کردم که زن برای شوهرش سجده کند»،^{۷۶} به

۶۹. الکافی، ج ۵، ص ۵۵۵، ح ۳.

۷۰. همان، ج ۵، ص ۵۱۴، ح ۳.

۷۱. وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، ج ۲۰، ص ۱۶۳، ح ۲۵۳۱۲.

۷۲. الکافی، ج ۵، ص ۵۱۴، ح ۲.

۷۳. همان، ج ۵، ص ۵۱۴، ح ۱.

۷۴. همان، ج ۵، ص ۵۲۷: «أَبَايَعُكُمْ عَلَى أَنْ لَا تُشْرِكُوا بِاللَّهِ شَيْئاً وَلَا تَسْرِقُوا وَلَا تَزْنُوا وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ وَلَا تَأْتُوا بِبُهْتَانٍ تَفْتَرِيهِ نَبِيٌّ أَيْدِيكُمْ وَأُزْمَلِكُمْ وَلَا تَعْصِيَنَّ بَعْضُكُمْ فِي مَعْرُوفٍ أَمْرٌ قُلْنَا نَعَمْ».

۷۵. همان، ج ۵، ص ۵۰۷، ح ۴: «جَهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ». تبعل به معنای پیروی از شوهر است. ابن منظور می‌نویسد: تبعلت المرأة اطاعت بعلها وامرأة حسنة التبعل اذا كانت مطوعة لزوجها محبة له.

۷۶. همان، ج ۵، ص ۵۰۸، ح ۶.

وضوح، جایگاه بالاتر مرد در خانواده را نشان می‌دهد؛ زیرا نفرموده که دستور سجده زن را برای مرد می‌دادم تا برتری مرد بر زن فهمیده شود، بلکه فرموده دستور سجده زن برای شوهر را می‌دادم، که نشان دهنده برتری جایگاه مرد در خانواده است؛ نه برتری خود مرد بر زن. (۲۵) همچنین در ابتدای خلقت حوا، هنگامی که خداوند می‌خواست او را به همسری آدم درآورد، فرمود: این بنده من حواست؛ آیا دوست داری با تو مأنوس شود، سخن بگوید و تابع امر تو باشد؟ آدم گفت: بله.^{۷۷} این روایت نیز به وضوح نشان می‌دهد که خداوند ماهیت ازدواج را انس و الفت میان زن و مرد و قالب آن را به صورت سرپرستی مرد و اطاعت زن قرار داده است.

بحث و نتیجه گیری در جایگاه زن و مرد در خانواده

در برخی روایات، نافرمانی از شوهر در کنار برخی از محرمات ذکر شده است، که می‌توان نافرمانی از شوهر را مخالفت با خواست شارع دانست و از سوی دیگر، تنها حدی که برای اطاعت از شوهر ذکر شده است، قید «معروف» است که نشان می‌دهد، اولاً، اطاعت از شوهر در خانواده ضرورت داشته و فقط یک دستور اخلاقی برای بهبود وضعیت خانواده نیست؛

ثانیاً، محدوده اطاعت از خواسته‌های مشروع و معقول شوهر در همه امور زندگی است؛ نه فقط در مواردی خاص مانند مسائل جنسی و یا آنچه مربوط به حقوق جنسی شوهر می‌شود و فقط خواسته‌های شوهر در معصیت پروردگار یا خواسته‌های غیر معقول و دشوار او که سبب عسر و حرج زن می‌گردد، مطاع نیست؛

ثالثاً، موارد و مصادیقی که در روایات برای اطاعت از شوهر ذکر شده است، مانند مسائل جنسی و خروج از منزل، به این دلیل که اشاره به اصول و حدود خانواده داشته و از اهمیت بالایی برخوردار است، به عنوان مصادیق اتم و اکمل این اطاعت در روایات ذکر شده و روی آنها تأکید بیشتری شده است.

رابعاً، با توجه به آیات و روایاتی که وظایف متعددی را برای مرد در قبال همسر و خانواده مشخص می‌کند، می‌توان گفت که جایگاه برتر مرد در خانواده به او قدرتی عنان گسیخته و اختیاری بی‌حد و مرز نمی‌دهد، بلکه مسئولیت‌های او را می‌افزاید و او را به عنوان یک مدیر که در صدد اصلاح و به سعادت رساندن مجموعه تحت نظرش است،

۷۷. وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، ج ۲۰، ص ۱، ح ۲۴۸۹۸.

قرار می‌دهد. همین نکته ظریف است که نظریه اسلام را از نظریه مردسالاری - که در آن جایگاه برتر مرد در جهت لذت و رضایت همه جانبه مرد است - متمایز می‌کند.

جدول بررسی اعتبار روایات

در جدول ذیل، روایات هر مبحث به ترتیب در جدول آورده شده و پس از ذکر شماره روایت، به جایگاه آن در بحث و منبع آن اشاره شده است. سپس اعتبار صدور و سندی آن ذکر شده است. در وثاقت سندی تنها روایاتی شایسته استدلال اند که تمام افراد واقع در سند آنها ثقه باشند و در وثاقت صدور روایاتی معتبرند که قرآینی بر صدور آنها از معصوم علیه السلام وجود داشته باشد.^{۷۸} رتبه بندی منابع در وثاقت صدور، سه گروه: «الف»، یعنی کتب قابل اعتماد و مقبول؛ «ب»، یعنی کتب با صلاحیت نسبی و «ج»، یعنی کتب ضعیف که بهتر است به منزله مؤید از آنها استفاده شود، دارد. کتاب‌های هر گروه نیز از لحاظ اعتبار، دارای نه رتبه هستند.^{۷۹}

عنوان بحث	شماره روایت	جایگاه روایت	نام منبع	اعتبار صدور	اعتبار سند
نهی از اطاعت از زن	۱	به عنوان سند	الكافی	الف/۱ (عالی)	صحیح
	۲	به عنوان سند	الكافی	الف/۱ (عالی)	موثق
	۳	به عنوان مؤید	الكافی	الف/۱ (عالی)	ضعیف
	۴	به عنوان مؤید	الفقیه	الف/۳ (عالی)	ضعیف
	۵	به عنوان مؤید	الكافی	الف/۱ (عالی)	ضعیف
مسئولیت مردان	۶	به عنوان سند	الكافی	الف/۱ (عالی)	صحیح
	۷	به عنوان سند	الكافی	الف/۱ (عالی)	موثق
	۸	به عنوان مؤید	الفقیه	الف/۳ (عالی)	ضعیف
	۹	به عنوان مؤید	الكافی	الف/۱ (عالی)	ضعیف
روایات حقوق	۱۰	به عنوان سند	الكافی	الف/۱ (عالی)	صحیح
	۱۱	به عنوان سند	الفقیه	الف/۳ (عالی)	صحیح
روایات اجازه از مرد	۱۲	به عنوان سند	الكافی	الف/۱ (عالی)	صحیح
	۱۳	به عنوان سند	الكافی	الف/۱ (عالی)	موثق
توصیف زنان	۱۴	به عنوان سند	الفقیه	الف/۳ (عالی)	صحیح
	۱۵	به عنوان سند	الكافی	الف/۱ (عالی)	صحیح

۷۸. منطقی فهم حدیث، ص ۲۵۳.

۷۹. همان، ص ۲۷۶.

عنوان بحث	شماره روایت	جایگاه روایت	نام منبع	اعتبار صدوری	اعتبار سند
	۱۶	به عنوان موید	الفقیه	الف/۳ (عالی)	ضعیف
پاداش در قبال شوهر	۱۷	به عنوان سند	الکافی	الف/۱ (عالی)	صحیح
	۱۸	به عنوان سند	الکافی	الف/۱ (عالی)	صحیح
	۱۹	به عنوان سند	وسائل الشیعه	واسطه	صحیح
	۲۰	به عنوان سند	الکافی	الف/۱ (عالی)	موثق
	۲۱	به عنوان موید	الکافی	الف/۱ (عالی)	ضعیف
نهی از نافرمانی شوهر	۲۲	به عنوان سند	الکافی	الف/۱ (عالی)	صحیح
	۲۳	به عنوان موید	الکافی	الف/۱ (عالی)	موثق
جایگاه زن و مرد	۲۴	به عنوان سند	الکافی	الف/۱ (عالی)	صحیح
	۲۵	به عنوان سند	وسائل الشیعه	واسطه	صحیح

جایگاه فرزندان در خانواده

جایگاه فرزندان نسبت به پدر و مادر

آیاتی که در ادامه می‌آید، حاوی نکاتی است که مستقیم و غیر مستقیم، جایگاه برتر پدر و مادر را نسبت به فرزندان در خانواده نشان می‌دهد:

«وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا أَمَا يَتَّبِعَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا آفٌ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا».^{۸۰}

«وَصَيَّبْنَا الْإِنْسَانَ بِالذِّبْيِ حَسَنًا وَإِنْ جَاهِدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ».^{۸۱}

«وَإِنْ جَاهِدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ».^{۸۲}

تعبیر «وَصَيَّبْنَا» و «قَضَىٰ رَبُّكَ» نشان می‌دهد که جایگاه برتر والدین، فقط ناشی از طبیعت خانواده و رفتارهای زیستی انسان نیست، بلکه رعایت این جایگاه از طرف فرزندان به صورت تشریحی نیز جعل شده است و یک مسأله ضروری و لازم الاجرا است. این بخش از آیات «وَإِنْ جَاهِدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا»، گویای آن است که اولاً، اطاعت از والدین ضروری و قطعی است و ثانیاً، حد این اطاعت شرک به

۸۰. سوره اسراء، آیه ۲۳.

۸۱. سوره عنکبوت، آیه ۸.

۸۲. سوره لقمان، آیه ۱۵.

خداوند است. همچنین، از تعابیری که در انتهای آیات به کار رفته است، می‌توان به ضرورت این اطاعت پی برد.

بنا بر این، از لحاظ سلسله مراتب در خانواده، زیرمجموعه والدین در جایگاه بالاتر قرار دارند و زیرمجموعه فرزندان در جایگاه پایین‌تر قرار داشته و موظف به اطاعت است.

جایگاه فرزند بزرگ‌تر

در زیرمجموعه فرزندان، بر اساس برخی از روایات، فرزند پسر ارشد، جایگاه بالاتری در میان برادران و خواهران خود، دارد. رابطه امام رضا علیه السلام در این باره می‌فرماید:

الْأَخُ الْأَكْبَرُ بِمَنْزِلَةِ الْأَبِّ.^{۸۳}

همچنین، در روایات با تعابیر و الفاظ گوناگون بر این موضوع تأکید شده است که لوازم خاص پدر، پس از مرگش، به پسر بزرگ‌تر به ارث می‌رسد.^{۸۴} به ارث رسیدن وسائل خاص پدر به فرزند پسر بزرگ، نشان از جایگاه خاص فرزند پسر بزرگ‌تر در خانواده، به خصوص در زیرمجموعه فرزندان دارد. به صورت کلی می‌توان این گونه برداشت کرد که پسر بزرگ در نبود پدر، با دارا بودن آن وسائل خاص، در جای پدر قرار گرفته است.

شاهد دیگر بر جایگاه بالاتر پسر ارشد، روایاتی است که می‌گوید، اگر در نبود پدر، برادران در امر تزویج خواهر خود اقدام کنند، برادر بزرگ‌تر نسبت به دیگران اولویت دارد و اگر برادران به صورت همزمان خواهر خود را تزویج کنند، عقدی که برادر بزرگ‌تر بسته است، از اعتبار برخوردار است و عقد دیگران باطل است.^{۸۵}

مجموعه روایات مذکور نشان می‌دهد که فرزند پسر بزرگ در زیرمجموعه فرزندان، جایگاه بالاتری نسبت به برادران و خواهران خود دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه مطرح گردید، در خانواده زیرمجموعه والدین از جایگاه بالاتری برخوردار بوده و زیرمجموعه فرزندان باید نسبت به آن مطیع باشد؛ اما در زیرمجموعه والدین مرد از جایگاه بالاتری برخوردار است و زن در جایگاه دوم قرار دارد. در زیرمجموعه فرزندان نیز

۸۳. تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۳۹۳، ح ۵۱.

۸۴. الإستهیاب، ج ۴، ص ۱۴۵، ح ۱ - ۵.

۸۵. تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۳۸۷، ح ۲۹.

پسر بزرگ از جایگاه و نفوذ بیشتری برخوردار است. بنا بر این، می‌توان گفت که مرد در خانواده در رأس بوده و برترین جایگاه را دارد و زن در جایگاه دوم قرار داشته و فرزندان نیز در جایگاه سوم هستند.

در تبیین این الگو باید گفت که خانواده یک واحد اجتماعی کوچک است و باید همانند دیگر اجتماعات انسانی، سرپرست و مدیر داشته باشد. از سوی دیگر، با توجه به این که در خانواده هر دو جنس حضور دارند و تفاوت‌های جنسیتی در بروز اختلاف نظر میان آن دو بسیار مؤثر است و انتظار حل همه اختلافات زناشویی از طریق گفت و گوی برابر، انتظار غیر واقع‌بینانه‌ای است. در صورت وجود مدیریت دوفره، حتماً خانواده دچار هرج و مرج، عدم تفاهم و درگیری شده و در نهایت، کاهش چشمگیر میزان ثبات خانواده و افزایش میزان طلاق را در پی خواهد داشت و این مسأله در خانواده‌های دموکراتیک، واقعیتی انکارناپذیر است.^{۸۶} در نتیجه، باید در خانواده مدیریت واحد وجود داشته و فقط یکی از مرد یا زن مسؤول خانواده و دیگری تحت مسؤولیت و نظارت او باشد.

از سوی دیگر، بررسی آیات و روایات نشان می‌دهد که اسلام با مدیریت زن مخالف بوده و مرد را به دلیل برتری‌های (جسمی، عقلی و روانشناختی) خدادادی و همچنین وجوب نفقه، در جایگاه مدیریت خانواده قرار داده است. البته ناگفته پیداست که برتری مردان برای قرار گرفتن در این جایگاه، نه دلیل بالاتر بودن شخصیت انسانی آنها است و نه سبب امتیاز آنها در جهان دیگر؛ زیرا در نگاه دین، زن و مرد از حیث ارزش‌های انسانی و الهی یکسان‌اند،^{۸۷} بلکه منظور، برتری در زمینه‌هایی است که موجب می‌گردد، مرد توانایی پذیرفتن این مسؤولیت را داشته باشد؛ یعنی برتری در ویژگی‌های جسمی و روانشناختی متناسب با امر سرپرستی و مدیریت.^{۸۸}

نگاه اسلام به زن و مرد، به ویژه در خانواده یک نگاه جنسیتی است. از دیدگاه اسلام تفاوت‌های جنسیتی، ناشی از عوامل جغرافیایی، تاریخی و یا اجتماعی نیست، بلکه ناشی از اصل آفرینش است. زن و مرد هر کدام دارای ویژگی‌هایی مخصوص به خود هستند و شرط سعادت هر یک از آنها و در حقیقت، جامعه بشری، این است که هر کدام بر

۸۶. اسلام و تفاوت‌های جنسیتی، ص ۱۰۳.

۸۷. سوره آل عمران، آیه ۱۹۵؛ سوره نساء، آیه ۱۲۴؛ سوره نحل، آیه ۹۷؛ سوره غافر، آیه ۴۰.

۸۸. تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۷۱.

اساس ویژگی‌های خاص خود زندگی کند.^{۸۹}

تفاوت‌های زن و مرد در دو حوزه کلی تفاوت‌های جسمی و روانشناختی قابل بررسی است. در حوزه تفاوت‌های جسمی باید گفت به صورت کلی مردان معمولاً از نظر جسمی بزرگ‌تر و نیرومندتر از زنان هستند^{۹۰} و به دلیل وجود مقادیر بسیار بیشتر هورمون تستوسترون در بدن مردان، آنها از بدنی عضلانی و قوی‌تر برخوردار بوده و از این حیث سرپرستی و دفاع از خانواده برای آنها امری مناسب‌تر و متناسب‌تر است. در حقیقت، زنان علاوه بر داشتن ظرافت‌های جسمی،^{۹۱} به طور طبیعی در هر ماه یک دوره عادت ماهیانه دارند، و در طول عمر خود دوره‌های بارداری و شیردهی را نیز تجربه می‌کنند و در سنین بالاتر نیز با پدیده یائسگی مواجه هستند که در این دوره‌ها، با تغییرات خلقی و جسمی رو به رو بوده و از توان جسمی آنها نیز کاسته شده و حتی نیاز به مراقبت‌های ویژه دارند.

اما در حوزه تفاوت‌های روانشناختی، به ذکر دو تفاوت عمده عقلی و عاطفی اکتفا می‌شود. تفاوت‌های عقلی که در برخی آیات^{۹۲} و روایات^{۹۳} آمده است، به صورت کلی نشان از متأثر بودن توانایی عقلی زن از عواطف او دارد که سبب می‌گردد زن برای بررسی و دقت در امور، تحت تأثیر احساسات و عواطف خود بوده و به خوبی مرد نتواند از مهارت‌ها و توانایی‌های عقل خود در امور اجرایی بهره‌بردار و توان رتق و فتق امور را به اندازه مرد نداشته باشد. این تفاوت پایه زیستی داشته و ناشی از تفاوت در فیزیولوژی و کارکرد مغز است. مغز زن بیشتر برای همدردی طراحی شده است و مغز مرد برای درک و نظام‌های ساختاری سازماندهی شده است.^{۹۴}

از حیث عاطفی نیز به صورت کلی مردان از زنان پرخاش‌گرا تر هستند^{۹۵} و انرژی پسران به طور عمده دنیای بیرون را هدف قرار می‌دهد و بر تسلط بر محیط و کنترل آن متمرکز است؛ در حالی که انرژی روانی دختران به طور عمده متوجه دنیای درونی و عاطفی است و به

۸۹. رک. نظام حقوق زن در اسلام، ص ۱۸، ۲۵، ۱۳۵.

۹۰. روانشناسی زنان، ص ۲۲۷.

۹۱. مرد کیست؟ زن کیست؟ ص ۲۲۲-۲۲۷.

۹۲. سوره زخرف، آیه ۱۸؛ سوره بقره، آیه ۲۸۲؛ سوره نساء، آیه ۳۴.

۹۳. نهج البلاغه، نامه ۱۴ و خطبه ۸۰؛ وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، ج ۱، ص ۹۵، ج ۳؛ ج ۲، ص ۵۸۶، ج ۶؛

ج ۱۴، ص ۱۱، ج ۱؛ ج ۱۸، ص ۲۴۵، ج ۱، ص ۱۹۸، ج ۵.

۹۴. مرد کیست؟ زن کیست؟ ص ۷.

95. Gender differences in aggression as a function of provocation: A meta-analysis, p 422.

جنبه‌های ارتباطی در زندگی خود توجه بیشتری دارند.^{۹۶} به طور کلی، جنس زن در همه دوره زندگی خود، به ارتباط‌های عاطفی و صمیمی علاقه نشان می‌دهد.^{۹۷}

در تحلیل تفاوت‌های جنسیتی نیز باید از نظریه مکملیت بهره گرفت: مکملیت در خلقت و مکملیت در توزیع نقش‌ها، مکملیت در خلقت بدین معناست که خداوند تمام موهبت‌ها را به یک صنف اعطا نکرده است. از این روی، هر یک از دو صنف، دیگری را واجد ویژگی‌هایی می‌یابد که خود فاقد آن است. همین تفاوت‌ها است که زمینه جذابیت این دورا برای یکدیگر فراهم می‌سازد و آنها را به هم پیوند می‌دهد. در این دیدگاه، هیچ‌گاه داشتن ویژگی‌های خاص منجر به برتری ارزشی و حتی برتری مادی و دنیوی نمی‌گردد؛ چرا که هر دو جنس به یکدیگر و در حقیقت به تفاوت‌های جنسیتی یکدیگر نیازمند بوده و هر دو برای ادامه حیات طبیعی و سالم خود از این تفاوت‌ها بهره می‌برند. از این نظر، همان قدر که جنس مؤنث به جنس مذکر وابسته است، جنس مذکر نیز به جنس مؤنث وابسته بوده و بدون او توانایی ادامه حیات ندارد و منشأ این نیاز دوطرفه، همین تفاوت‌های جنسیتی است. مکملیت در نقش‌ها نیز بدین معناست که نقش‌های متفاوتی برای زن و مرد طراحی شده که متناسب با توانمندی‌های طبیعی آنان و تکمیل کننده نقش‌های طرف مقابل است؛ به عنوان نمونه، نقش سرپرستی مرد هم متناسب با وضعیت جسمی و روحی او است و هم در خدمت ایفای هر چه بهتر نقش مادری و همسری زن. تفاوت‌های طبیعی و تفاوت در نقش‌ها، در تحلیل مبتنی بر مکملیت، هم زمینه ساز کارآمدی زن و مرد در حیات دنیوی و هم تسهیل کننده حرکت معنوی آنان است. از این روی، زن و مرد آفریده شده‌اند تا یکدیگر را به کمال برسانند؛ نه مانند آنچه که برخی گمان کرده‌اند، زن، تنها ابزاری برای تکامل مرد باشد.^{۹۸}

بنا بر این، نگاه جنسیتی به معنای تبعیض و ظلم نیست؛ چرا که تفاوت‌های جنسیتی - که به صورت ذاتی است و در خلقت زن و مرد نهاده شده است - اقتضا می‌کند که نظام سلسله مراتبی در تمام اجتماعات انسانی، به خصوص خانواده در جریان باشد و اگر در این نظام سلسله مراتبی هر کس در جای متناسب با وجود خود باشد، سلامت روانی خود و کارکرد صحیح نظام را تضمین خواهد کرد.

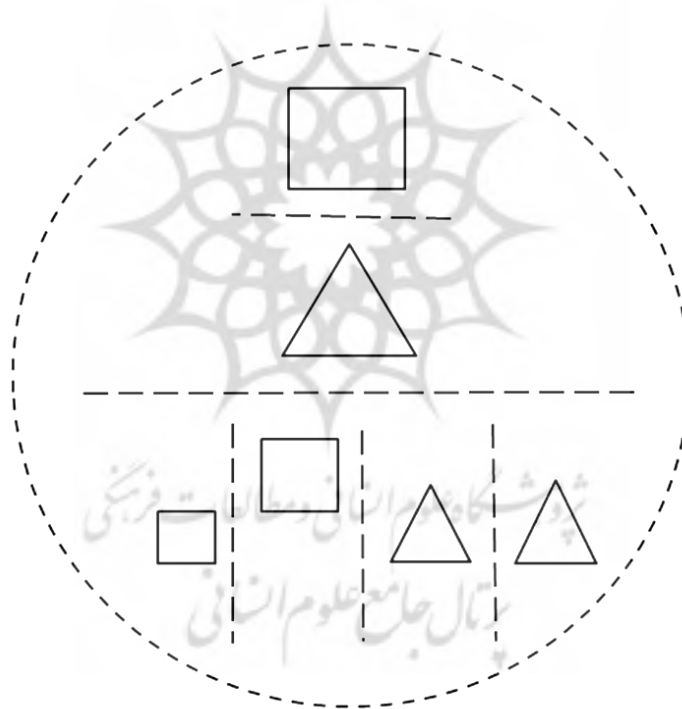
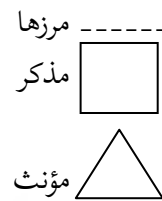
۹۶. کتاب زن، ص ۴۳۱.

۹۷. روانشناسی افسردگی زنان، ص ۲۷.

۹۸. هویت و نقش‌های جنسیتی، ص ۹۷.

در پایان، بر اساس شیوه‌ای که در خانواده‌درمانی ساخت‌نگر مرسوم است، الگوی اسلامی سلسله مراتب در خانواده ارائه می‌گردد. تبیین نهایی و کامل این الگو و تعیین حدود جایگاه هر یک از اعضای خانواده در آن و مقایسه آن با دیگر الگوها (مردسالاری، زن سالاری و دموکراتیک) مستلزم پژوهش‌های گسترده‌تری است.

الگوی سلسله مراتب در خانواده بر اساس منابع اسلامی



کتابنامه

- از جنبش تا نظریه اجتماعی: تاریخ دو قرن فمینیسم، حمیرا مشیرزاده، تهران: نشر شیرازه، ۱۳۸۵ ش.

- الإستبصار، محمد بن حسن طوسی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، سوم، ۱۳۹۰ ش.
- اسلام و تفاوت های جنسیتی، حسین بستان، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و دفتر امور بانوان وزارت کشور، دوم، ۱۳۹۰ ش.
- الأصفی فی تفسیر القرآن، ملا محسن فیض کاشانی، تحقیق: محمد حسین درایتی و محمد رضا نعمتی، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۸ ق.
- الكشف والبیان عن تفسیر القرآن، ابواسحاق احمد بن ابراهیم نیشابوری، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۲ ق.
- الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، ناصر مکارم شیرازی، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب، ۱۴۲۱ ق.
- انوار درخشان، سید محمد حسین حسینی همدانی، تحقیق محمد باقر بهبودی، تهران: کتاب فروشی لطفی، ۱۴۰۴ ق.
- آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، محمد جواد بلاغی نجفی، قم: بنیاد بعثت، ۱۴۲۰ ق.
- آیات الأحکام، سید امیر ابوالفتوح حسینی جرجانی، تحقیق میرزا ولی الله اشراقی سرابی، تهران: انتشارات نوید، ۱۴۰۴ ق.
- بررسی توزیع قدرت در خانواده، اشرف السادات فاضل، پای ان نام ه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد رودهن، علوم اجتماعی، ۱۳۷۹ ش.
- بررسی رابطه ساختار توزیع قدرت در خانواده و عزت نفس زنان، مطالعه موردی: زنان متأهل ۲۰ تا ۵۵ ساله شهر شیراز، الهه افتخاریان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور واحد پرند، جامعه شناسی، ۱۳۸۹ ش.
- بررسی رابطه ساختار قدرت در خانواده با مشارکت اجتماعی در شهر ملکان: سنین ۲۰ تا ۴۰ سالگی، احمد علی نژاد، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور واحد پرند، جامعه شناسی، ۱۳۸۹ ش.
- بررسی فقهی مدیریت در روابط زن و شوهر، امیر رحمانی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۱ ش.
- تفسیر اثنا عشری، حسین بن احمد حسینی شاه عبدالعظیمی، تهران: انتشارات میقات، ۱۳۶۳ ش.
- تفسیر الجلالین، جلال الدین محلی، جلال الدین سیوطی، بیروت: مؤسسه النور للمطبوعات، ۱۴۱۶ ق.

- تفسیر القرآن الکریم، سید عبد الله شبر، بیروت: دار البلاغة للطباعة والنشر، ۱۴۱۲ق.
- تفسیر روح البیان، اسماعیل حقی بروسوی، بیروت: دارالفکر، بی تا.
- تفسیر علیین، سید عباس سید کریمی حسینی، قم: انتشارات اسوه، ۱۳۸۲ش.
- تفسیر من وحی القرآن، سید محمد حسین فضل الله، بیروت: دار الملائک للطباعة و النشر، دوم، ۱۴۱۹ق.
- تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، ملا فتح الله کاشانی، تهران: کتاب فروشی علمی، ۱۳۳۶ش.
- تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ش.
- تهنید الاحکام، محمد بن حسن طوسی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چهارم، ۱۳۶۵ش.
- تفسیر الکریم الرحمن، عبد الرحمن بن ناصر آل سعدی، بیروت: مکتبة النهضة العربیه، ۱۴۰۸ق.
- جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، عبد الرحمن بن محمد ثعالبی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.
- حجة التفاسیر و بلاغ الإکسیر، سید عبد الحجت بلاغی، قم: انتشارات حکمت، ۱۳۸۶ق.
- خانواده در قرآن، احمد بهشتی، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم: دوم، ۱۳۷۷ش.
- خانواده در نگارش اسلام و روانشناسی، محمد رضا سالاری فر، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سمت، ششم، ۱۳۸۹ش.
- رواند رمانی خانواده، جی هی لی، باقر ثنائی، تهران: نشر امیرکبیر، یازدهم، ۱۳۸۸ش.
- روانشناسی افسردگی زنان، دنا کرولی، بهزاد رحمتی، انتشارات زریاب، ۱۳۷۵ش.
- روانشناسی زنان، مارگارت دلبیو ماتلین، شهناز محمدی، تهران: نشر روان، ۱۳۹۰ش.
- روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، سید محمود آلوسی، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
- زبده البیان فی أحكام القرآن، احمد بن محمد مقدس اردبیلی، تهران: کتاب فروشی مرتضوی، بی تا.
- زبده التفاسیر، ملا فتح الله کاشانی، تحقیق بنیاد معارف اسلامی، قم: بنیاد معارف اسلامی، ۱۴۲۳ق.
- فرهنگ جامع روانشناسی - روانپزشکی و زمینه های وابسته، نصرت الله پورافکاری، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر، ۱۳۸۰ش.

- فرهنگ جامع روانشناسی، محمود نیکزاد، تهران: شرکت انتشارات کیهان، ۱۳۹۰ ش.
- فمینیسم و خانواده، سیاست و جامعه در ایالات متحده و بریتانیا، جنیفر سامرویل، محمود ارغوان، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۸ ش.
- الفواتح الالهیه و المفاتيح الغیبیه، نعمت الله بن محمود نخجوانی، مصر، دار رکابی للنشر، ۱۹۹۹ م.
- الکافی، محمد بن یعقوب کلینی رازی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چهارم، ۱۳۶۵ ش.
- کتاب زن، سید هادی حسینی، علی احمد راسخ، حمید نجابت، تهران: انتشارات امیرکبیر، سوم، ۱۳۸۸ ش.
- الكشف والبيان عن تفسیر القرآن، ابواسحاق احمد بن ابراهیم ثعلبی نیشابوری، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ ق.
- مجمع البیان فی تفسیر القرآن، فضل بن حسن طبرسی، تهران: انتشارات ناصر خسرو، سوم، ۱۳۷۲ ش.
- مرد کیست؟ زن کیست؟ سیمون بارون کوهن، سمیه موحدی فرد، تهران: مبین اندیشه، ۱۳۹۲ ش.
- مفاتیح الغیب، ابو عبد الله محمد بن عمر فخرالدین رازی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، سوم، ۱۴۲۰ ق.
- من لا یحضره الفقیه، محمد بن علی بن بابویه صدوق، قم: انتشارات جامعه مدرسین، سوم، ۱۴۱۳ ق.
- من هدی القرآن، سید محمد تقی مدرس، تهران: دار محبی الحسین، ۱۴۱۹ ق.
- منطق فهم حدیث، سید محمد کاظم طباطبایی، قم: انتشارات موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۰ ش.
- الموسوعة القرآنیة، ابراهیم ایبازی، موسسه سجل العرب، ۱۴۰۵ ق.
- المیزان فی تفسیر القرآن، سید محمد حسین طباطبایی، قم: انتشارات جامعه مدرسین، پنجم، ۱۴۱۷ ق.
- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم: انتشارات مشرقین، ششم، ۱۳۷۹ ش.
- الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز، علی بن حسین عاملی، قم: دار القرآن الکریم، ۱۴۱۳ ق.
- وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعه، محمد بن الحسن حر عاملی، قم: موسسه آل البيت لاء حیاء التراث، ۱۰۴۹ ق.

- هویت و نقش‌های جنسیتی، محمدرضا زیبایی نژاد، تهران: مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، ۱۳۸۸ ش.
- «اخلاق مادری در اسلام و فمینیسم»، اقدس یزدی، مقالات برگزیده دومین همایش جهانی زنان، ۱۳۸۸ ش.
- «بررسی رابطه میان ساختار قدرت در خانواده با رضامندی زناشویی زنان کارمند و خانه‌دار شهر تهران»، محبوبه ذوالفقارپور، سیمین حسینیان، سیده منوره یزدی، پژوهش‌های مشاوره (تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره)، ۱۳۸۳ ش، ج ۳، شماره ۱۱، ص ۳۱-۴۶.
- «بررسی ساختار توزیع قدرت در خانواده»، محمد صادق مهدوی، حبیب صبوری خسروشاهی، مجله مطالعات زنان، ۱۳۸۲، سال اول، شماره ۲، ص ۲۷-۶۷.
- «بررسی ساختار توزیع قدرت در رابطه زن-شوهر در خانواده از نگاه آیات و روایات»، سید محمد علی ایازی، محمد ناصحی، پژوهش زنان، ۱۳۸۹، دوره ۲، شماره ۱، ص ۱۱۳-۱۳۳.
- «رابطه ساختار قدرت و همبستگی در خانواده با خودپنداره دانشجویان»، مسعود بحرینی، سودابه بهزادی، بهرام جوکار، فرشید دهقان، شهره شهامت، مجله دانشگاه علوم پزشکی بابل، ۱۳۸۹، دوره ۱۲، شماره ۲، ص ۶۴-۷۱.
- «زن، قدرت و خانواده: پژوهشی در جایگاه زن در هرم قدرت در خانواده»، باقر ساروخانی، مجله پژوهش زنان، ۱۳۸۴، شماره ۱۲.
- «زنان و تحولات ساختاری خانواده در عصر جهانی شدن»، حلیمه عنایت، مجید موحد، مجله پژوهش زنان، ۱۳۸۳، دوره ۲، شماره ۲، ص ۱۵۳-۱۶۶.
- «ساختار قدرت در خانواده و تأثیر آن بر مشارکت اجتماعی در شهر شیراز»، باقر ساروخانی، لیلا دودمان، مجله تخصصی جامعه‌شناسی مطالعات جوانان، پیش شماره اول، ۱۳۸۹، ص ۱۰۵-۱۲۹.
- «سرپرستی خانواده با نگاه به آیه ۳۴ سوره نساء»، محمد علی مروی، مجله معرفت، ۱۳۸۶، شماره ۱۲۲، ص ۹۹-۱۱۲.
- «مدیریت خانواده در نظریه‌های جامعه‌شناسی در مقایسه با نظریه علامه طباطبایی»، هوشنگ ظهیری، سروش فتحی، پژوهش‌نامه قرآن و حدیث، ۱۳۹۰، شماره ۸، ص ۱۰۰-۱۲۰.

- Bettencourt Ann B., Miller Norman, (1996), *Gender differences in aggression as a function of provocation: A meta-analysis*. Psychological Bulletin, Vol 119(3), 422-447.

